

گفت و گوی صبا با دو منتقد سینما درباره فیلم بی مادر

بی مادر، موجودیتی رها شده در اثر

«بی مادر» فیلمی به نویسندگی و کارگردانی سید مرتضی فاطمی و تهیه کنندگی علی اوجی و محمدرضا

مریم عظیمی
گفت و گو

مصباح محصول سال ۱۴۰۰ است. این فیلم در بخش سودای سیمرغ چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشته و بازیگران نام آشنایی مانند امیر آقایی، پژمان جمشیدی، میترا حجار و پردیس پورعابدینی نقش‌های اصلی این فیلم را بازی می‌کنند. فیلم سینمایی «بی مادر» برنده جایزه بهترین فیلم جشنواره بین‌المللی فیلم داکا و بهترین کارگردانی جشنواره بین‌المللی رینبو لندن در سال ۲۰۲۳ شده است. اکران «بی مادر» از ۱۸ مرداد آغاز شده و در همین راستا خبرنگار صبا درباره این فیلم با دو منتقد سینما هم صحبت شده تا نظراتشان را درباره این فیلم جرایا شده است که در ادامه می‌خوانید.

احسان آجورلو:

آیا فیلم «بی مادر» دغدغه امروز جامعه است؟

اولین مولفه‌ای که مخاطب را با محتوای فیلم آشنا می‌کند نام فیلم است آیا از نظر شما نام فیلم می‌تواند معرف خوبی از مضمون فیلم باشد؟

ببینید نکته‌ای که وجود دارد این است که اسم فیلم اولین برخورد پیرامونی برای مخاطب محسوب می‌شود پیرامتن یعنی اتفاقات حاشیه‌ای که ما را به متن یا فیلم متصل می‌کنند. اسم‌ها یا تماتیک و متصل به تم هستند یا اسم یکی از شخصیت‌های اثر هستند و ... که در اینجا ما با یک اسم تماتیک روبرو هستیم که می‌خواهد به مضمون ماجرا اشاره کند و ما را به داستان متصل کند از طرفی دوستان از سویی هوشمندی به خرج داده‌اند و اینگونه به نظر می‌آید که اسم فیلم حالت ناسزا و توهینی دارد و شاید این برای ایجاد جذابیتی در ماجرا باشد که به نظرم در این زمینه موفق شده یعنی قبل از اینکه شما فیلم را ببینید اسم بی مادر چنین حسی را منتقل می‌کند. اما وقتی با فیلم مواجه می‌شویم می‌بینیم که مضمون ماجرا اینست که در کشاکش

قضا اصلاً پرداختی به آن نمی‌شود و آن کودک مورد پردازش دراماتیک قرار نمی‌گیرد که بتواند این اسم را در حین تماشای این فیلم پررنگ‌تر کند و به این ترتیب اسم فیلم به عنوان یک مسئله سطحی که فقط مورد نظر نویسنده و کارگردان بوده باقی می‌ماند و نتوانسته که به اندازه کافی به آن بپردازد، اسم را بکاود و به ما ارائه کند.

به نظر شما ساختار روایی فیلم از چه الگویی تبعیت می‌کند؟

ساختار روایی فیلم یک ساختار بسیار ساده است و از چیزی تبعیت می‌کند که در آن موفق نمی‌شود. یعنی الگویی که ما از

و درگیری کاراکترها با یکدیگر و با این جهان داستانی به تنها کسی که توجه نمی‌شود آن کودکی است که در مسیر تولد است. بی مادر و محروم بودن او از این حس مادرانگی که هم مادر اصلی او را ترک می‌کند و هم مادری که ژن‌های کودک از اوست همه اینها دست به دست هم می‌دهد تا ما خودمان را بجای آن کودک بگذاریم که ببینیم این انسان از این علاقه و مهر و محبت مادری محروم است چرا که در بین دو مادر هیچکدام را ندارد و آنچه که باید مضاعف می‌شد را به کل از دست داده است و قرار بوده آنچه گفته شد ظاهراً مضمون ماجرا باشد و بسته به این ظاهر اسم به درستی انتخاب شده اما روایت داستان این را به ما نمی‌رساند و نام اثر که باید مانند یک چتر کلی بروی اثر باشد از